

## مشهورترین شعبده بازان دنیای جادو

دنیای شعبده پر از افرادیست که هر یک نمایش های خاص خود را اجرا می کنند.



دنیای شعبده پر از افرادیست که هر یک نمایش های خاص خود را اجرا می کنند. شعبده بازها از گذشته های دور تا کنون از محبوب ترین شخصیت ها برای طرفداران دنیای جادو به شمار می رفتند چرا که نه تنها نمایش های شگفت انگیز آنها تماشاچیان را از دنیای واقعی دور می کند بلکه برای لحظه ای هم که شده این حس را به آنها می دهد که سحر و جادو واقعیت دارد.

### هری هودینی

هری هودینی با نام واقعی اریک ویس، در سال 1874 در بوداپست مجارستان به دنیا آمد. 171#& رابی مایر ویس؛ و 171#& سیسیلیا استینر؛ پدر و مادر هری- به جز او هفت دختر و پسر دیگر هم داشتند که البته هیچ کدام از آنها به شهرت هری نرسیدند. زمانی که هری کوچک بود، اجرای نمایش های عجیب و غریب، از هر کار دیگری برایش جذاب تر بود. او نخستین نمایش خود را در نه سالگی به روی صحنه برد؛ از همین زمان بود که نام 171#& هری هودینی؛ را برای خودش انتخاب کرد، چون به شدت تحت تاثیر 171#& هری کلار؛ شعبده باز معروف آمریکایی- و 171#& جان ایگن رابرت هودینی؛- شعبده باز فرانسوی- قرار داشت و آنها را می ستود. همین علاقه شدید باعث شد تا نام مستعار 171#& هری هودینی؛ را برای حرفه هنریش انتخاب کند. این شعبده باز مشهور روزهای اول کارش را با حقه ها و کلک های قدیمی بازی با کارت شروع کرد و آن قدر در این کار مهارت پیدا کرد که به شاه 171#& بازی با کارت؛ معروف شد. اما این چیزی نبود که او را راضی کند. هری به هدف های بزرگ تری فکر می کرد. به خاطر همین خیلی زود شروع کرد به آموختن فوت و فن شعبده بازی. هودینی در یکی از اجراهایش با 171#& بس رانر؛ آشنا شد و همین آشنایی، مقدمه ازدواج آنها بود. 171#& بس؛ تا آخرین اجرای هودینی در کنار شوهرش ماند و صحنه را ترک نکرد. هودینی برای اینکه نامش را بیشتر از بقیه شعبده بازان آن دوران سر زبان ها بیندازد، به یک مهارت خاص احتیاج داشت، چیزی که فقط از او ساخته باشد. به خاطر همین، ایده شعبده فرار با دستان بسته را اجرا کرد. البته در روزهای اول اجرای این شعبده چندان موفق نبود و زمان بندی هایش درست از آب در نمی آمد.

### اجرای نمایش در سیرک وودویل

نقطه عطف زندگی هودینی سال 1899 بود، وقتی که او تازه 25 ساله شده بود؛ هری در این سال با مدیر یکی از سیرک های معروف، به نام 171#& مارتین بک؛ آشنا شد. بک که شدیداً از نمایش فرار با دستان بسته هودینی خوشش آمده بود، به او توصیه کرد که روی این اجرا بیشتر کار کند و حتی اجازه نمایش در سیرک 171#& وودویل؛ را به این شعبده باز تازه کار داد. در عرض چند ماه، نام و آوازه هودینی تمام شهر را فرا گرفت و او موفق شد جایگاه خوبی را در این سیرک برای خود به دست بیاورد. تا جایی که در سال 1900 171#& مارتین بک؛ تور اروپا را برای هودینی شعبده باز ترتیب داد و به این ترتیب ورق زندگی شعبده باز برگشت و شانس به او رو کرد. از نمایش های هودینی در اروپا استقبال خوبی به عمل آمد و او به انگلستان، اسکاتلند، هلند، آلمان، فرانسه و روسیه نیز سفر کرد. تماشاچی ها شیفته برنامه ها و اجراهای قوی او شدند، تا جایی که در اروپا به او یک لقب جدید دادند: سلطان دستبند آهنین. هودینی به هر شهری که می رسید، پلیس محلی را وادار می کرد تا برای جذاب تر شدن اجرای نمایش فرار با دستان بسته، با او همکاری کنند. ماموران پلیس هم دست و پاهای هری را غل و زنجیر می کردند و او را به زندان می انداختند. البته در بسیاری از این فرارهای طاقت فرسا، اول هودینی را به دقت و ارسایی می کردند تا مبادا وسیله ای با خود داشته باشد که به فرارش کمک کند؛ وسیله ای مثل کلید یا حتی یک سنجاق سر ساده. اما هودینی هیچ چیزی همراه خودش نداشت، با این حال می توانست به راحتی غل و زنجیرها را باز کند و خودش را نجات بدهد. یکی از معروف ترین فرارهای او در مسکو اتفاق افتاد، موضوعی که تا مدت ها همه درباره آن حرف می زدند. هودینی موفق شده بود از ماشین حمل و نقل زندانیان زندان سیبری فرار کند، در حالی که دست و پایش را حسابی قفل و زنجیر کرده بودند!

### روزهای شانس آقای جادو

اگرچه هیچ گاه خود هودینی ادعا نکرد که قدرتی ماوراءالطبیعه دارد اما اجراها و نمایش های او آن قدر همه را شگفت زده کرده بود که کم کم همه به این باور رسیدند که این مرد، قدرتی مافوق قدرت بشری دارد. در سال 1912 هودینی معروف ترین نمایش خود را با نام سلول شکنجه چینی به اجرا گذاشت. در این نمایش که طرفداران زیادی هم داشت، هری به طور وارونه در یک محفظه شیشه ای -

آهني پر از آب آویزان مي‌شد و بعد خودش را نجات مي‌داد. اين كار خيلي هم راحت نبود، چرا كه لازم بود او براي فرار بيش از سه دقيقه نفسش را حبس كند. با اين حال او باز هم موفق بود. به اين ترتيب هري هوديني هميشه چند گام از شعبده‌بازان زمان خودش جلوتر بود. با اين حال معماي دستان بسته او هميشه سر به مهر نماند و خود هوديني در كتابش با نام &#171;رازهاي دستان بسته"; که در سال 1909 نوشت، توضيح داد بعضي از انواع قفل‌ها و دستبندها با وارد آوردن فشار و نيرويي معين، قابل باز شدن هستند و بعضي‌ها را هم مي‌شد باياد كفش باز كرد. هري در اين كتاب، نوشته بود كه باوجود اينكه قبل از اجراي نمايش حسابي او را مي‌گشتند، باز هم او يك كليد كوچك را در دهانش مخفي مي‌كرد تا اينكه در فرصتي مناسب، بتواند از آن استفاده كند. راز يكي از عجيب‌ترين شعبده‌هاي او هم در اين كتاب و از زبان خودش فاش شد، راز شعبده فرار از جليقه آهنين! هوديني فاش كرد كه هميشه وقتي در حال پوشيدن جليقه آهنين بوده، با فيگور گرفتن و سفت كردن ماهيچه‌هايش، باعث مي‌شد تا فضاي بيشتري را در جليقه بگيرد و بعد با آزاد كردن ماهيچه‌هايش و برگشتن به حالت معمولي، به راحتی مي‌توانست دست‌ها و شانه‌هايش را از جليقه بيرون بياورد.

#### گران‌ترين شعبده‌باز آمريكا

هوديني در هر اجرا، تجربه‌اي جديد و نکته‌اي تازه مي‌آموخت. يكي از نکات بسيار ظريفي كه هوديني به آن پي برد، اين بود كه مردم دوست دارند تقلا كردن او را در فرار از جليقه آهني با چشم‌هاي خودشان ببينند و به اين ترتيب هوديني چندين بار نمايش جليقه آهنين را درست جلوي چشم تماشاچيان انجام مي‌داد و هر بار بعد از فرار با تشويق مردم روبه رو مي‌شد. سال‌ها گذشت و هوديني همچنان گران‌ترين شعبده‌باز در &#171;وود ويل"; آمريكا بود. يكي ديگر از جذاب‌ترين اجراهاي هوديني كه با استقبال زياد تماشاچي‌ها روبه رو شد، غيب كردن يك فيل بسيار بزرگ جلوي چشم تماشاچي‌ها در يكي از سالن‌هايي بود كه از نظر مردم هيچ راه فراري نداشت؛ غافل از اينكه در زير صحنه نمايش، استخري قرار داشت كه فيل بيچاره در هنگام غيب شدن در آن افتاده بود. در هر حال اين جادوگر بزرگ در سال 1917 به رياست انجمن شعبده‌بازان آمريكا رسيد و تا هنگام مرگش، همچنان در اين سمت باقي ماند. همچنين در سال 1923 هوديني به عنوان رئيس شركت &#171;مارتينكا";، قديمي‌ترين شركت شعبده‌بازي و جادوگري آمريكا انتخاب شد.

#### الكساندر هرمان

الكساندر هرمان - شعبده‌باز معروف فرانسوي- در هشتم فوريه سال 1844 در پاریس به دنيا آمد. او با نام هرمان بزرگ به شهرت رسيد و يكي از اعضاي خانواده هرمان ما بود كه به عنوان اولين خانواده شعبده‌باز شناخته مي‌شدند. او از بهترين كساني بود كه در حوزه شعبده‌بازي برنامه اجرا مي‌كرد.

پدرش - ساموئل هرمان- پزشكي بود كه به صورت تفريحي در سفرهايش به اروپا به عنوان شعبده‌باز فعاليت مي‌كرد و او بارها براي سلطان ترك، ناپلئون و افراد معروف ديگري هم برنامه اجرا کرده بود و حتي يك بار از ناپلئون يك ساعت طلا به عنوان دستمزد دريافت كرد؛ ولي شغل او به عنوان پزشك وقت زيادي از او مي‌گرفت و باعث شد ساموئل شعبده‌بازي را کنار بگذارد. الكساندر هرمان كه كوچك‌ترين فرزند خانواده بود، مانند برادرش راه پدر را به صورت حرفه‌اي ادامه داد. او تا آخرين روزهاي عمرش ساعت طلاي پدرش را همراه داشت و از آن به عنوان انگيزه‌اي براي ادامه دادن كارش ياد مي‌كرد.

ساموئل به مرور حقه‌هايي را كه آموخته بود، به پسر بزرگش كارل ياد داد و سپس كارل نيز تحصيلاتش را رها کرده و به سن پترزبورگ رفت تا شعبده‌بازي را به صورت حرفه‌اي دنبال كند. او وقتي علاقه برادر هشت ساله‌اش - الكساندر- را به دنياي شعبده و جادو ديد، او را نيز با خود به روسيه برد تا هنر شعبده را به او بياموزد. كارل براي مدت‌ها الكوي الكساندر هرمان بود، آن دو با يكدیگر تورهائي نمايشي زيادي در سراسر اروپا برگزار كردند و سرانجام وقتي الكساندر مهارت كافي به دست آورد، در سال 1862 از برادر خود جدا شد و به آمريكا سفر كرد تا به صورت انفرادي برنامه اجرا كند. الكساندر اولين برنامه خود را در سالي معروف در لندن برگزار كرد. اين سالن با معماری مصري و الهام گرفته از هنر مصر، تنها سالن مشهور لندن بود كه تا آن روز شعبده‌بازان بزرگي در آن برنامه داشتند. الكساندر هرمان نيز موفق شد به اين سالن راه پيدا كند و به شهرت جهاني برسد. او سال‌ها به همراه همسرش - آدلاید هرمان- به روي صحنه رفت. معلق ماندن در هوا به روش روبرت هودين و گرفتن گلوله به سبك جديدي كه ابداع کرده بودند، از نمايش‌هاي محبوب الكساندر و آدلاید بود. هرمان شوخ طبع بود و گاهي براي جلب توجه و افزودن محبوبيتش كارهاي جالبي مي‌كرد. روزي با يكي از دوستانش در خيابان راه مي‌رفتند. او متوجه دو پليس شد كه در سمت ديگر خيابان ايستاده بودند، براي جلب توجه به سمت دو مرد رفت و دستمال گردن يكي از آنها را دزديد. مرد مالباخته پليس‌ها را صدا كرد و موضوع را به آنها گفت. در همين حين يكي ديگر از حضار متوجه شد ساعتش نيست، او نيز به هرمان مشكوك شد و اصرار داشت كه ساعت را او دزدیده. پليس‌ها مي‌خواستند او را بگردند؛ ولي هرمان در كمال خونسردي گفت: &#171;بهتر است اول جيب‌هاي خودتان را بگرديد!"; در كمال ناباوري ساعت در جيب يكي از پليس‌ها و دستمال گردن در جيب ديگري بود. در عرض چند ثانيه مدال افتخار يكي از پليس‌ها هم ناپديد شد و هرمان پيشنهاد داد: &#171;مرد صاحب ساعت را بگرديد، شايد مدال پيش او باشد."; و پليس با تعجب مدال را از جيب مرد بيرون آورد، هرمان لبخندي زد و گفت، &#171;شما اشتباه كرديد، چون به نظر مي‌رسد تنها آدم صادق در اين جمع من باشم!";

پلیس‌ها فکر کردند هرمان مسخره‌شان می‌کند، پس دستگیرش کردند ولی هرمان توانست بی‌گناهی خود را ثابت کند و به آنها گفت این فقط یک حقه شعبده‌بازی بوده و پلیس‌ها آزادش کردند.

گاهی شوخ طبعی او برایش دردسر ساز می‌شد، یک‌بار با یک روزنامه‌نگار در رستورانی قرارمصاحبه داشت. حتی در زمان کارهای جدی هم شیطنت رهایش نمی‌کرد. او با یک شعبده‌بازی ساده در ظرف سالاد روزنامه‌نگار الماسی واقعی را ظاهر کرد. روزنامه‌نگار که از هرمان کله شق‌تر بود، در یک حرکت سریع الماس را به پیشخدمتی که برای جمع کردن ظرف‌ها آمده بود، هدیه داد. هرمان به دردسر افتاد چون پیشخدمت به هیچ وجه حاضر نبود سنگ قیمتی را پس دهد!

هرمان همیشه در برنامه هایش با کت و شلوار مخمل مشکی، کلاه استوانه‌ای و دستکش‌های سفید که مد شعبده‌بازان آن زمان بود، حاضر می‌شد. او همیشه برنامه‌اش را با در آوردن دستکش‌های سفیدش و ناپدید کردنشان در یک چشم به هم زدن میان دستانش شروع می‌کرد و بعد با ظاهر کردن اسکناس‌های دلار در هوا و بیرون کشیدن خرگوش از کلاه تماشاچیان، برنامه‌اش را ادامه می‌داد.

خرگوش را به هوا پرتاب می‌کرد و با شلیک گلوله به آن، ناگهان خرگوش میان زمین و هوا ناپدید می‌شد! و در آخر برنامه، پیش از اینکه پرده‌ها بسته شوند، او دوباره خرگوش را ظاهر می‌کرد و در حالی که خرگوش بی‌توجه به او گوش هایش را می‌خاراند، هرمان نوازشش می‌کرد و با او حرف می‌زد. هرمان افسانه 12 شعبده‌بازی را که با نمایش گلوله جان خود را از دست داده بودند، می‌دانست؛ برای همین او نسخه‌های جدید و مبتکرانه‌ای از این نمایش را به سبک خودش طراحی کرد و هر بار یکی را به کمک دستیارش - بیلی رابینسون- به اجرا می‌گذاشت. ولی به خاطر خطرهای احتمالی این نمایش فقط در موقعیت‌های خاص اجرا می‌شد.

هرمان تنها 52 سال داشت که در بازگشت از یکی از تورهای نمایشی‌اش در قطار دچار ایست قلبی شد و از دنیا رفت. پس از مرگ او، خواهر زاده‌اش لئون هرمان به آمریکا رفت تا به همراه آدلاید و به جای الکساندر نمایش اجرا کنند و برنامه را سرپا نگه دارند. هرمان معتقد بود موفقیت برنامه‌های یک شعبده‌باز به زودباوری طرفدارانش بستگی دارد. هر چه مردم زودباورتر باشند، نمایش‌های شعبده‌باز حس کنجکاوای آنها را بیشتر بر می‌انگیزد و حیرت آورتر خواهد بود.

#### دیوید بلین

دیوید بلین در چهارم آوریل سال 1973 در نیویورک متولد شد. مجله نیویورک تایمز بلین را هودینی عصر جدید معرفی کرده است. مادر بلین، معلم و پدرش سرباز قدیمی جنگ ویتنام بود که البته در کودکی بلین از هم جدا شدند. هنگامی که بلین چهار ساله بود، روزی با مادرش سوار مترو شد. در همان هنگام معرکه‌گیری خیابانی را دید که کارهای عجیب و غریبی انجام می‌داد. کودک چهارساله مسحور شعبده‌باز شده بود و از همان زمان جرقه جادوگری در ذهنش زده شد.

در سال 1997 اولین برنامه تلویزیونی بلین به نام &#171;دیوید بلین: جادوی خیابانی&#171; از کانال ای‌بی‌سی به روی آنتن رفت. به این ترتیب نام بلین سر زبان‌ها افتاد. او در این باره گفت: &#171;دوست دارم جادو را همان طور که صد سال پیش بود، به روی صحنه بیاورم.&#171;

از کارهای معروف بلین می‌توان به زندانی شدن در بلوک یخی، ایستادن روی تیر برق 30 متری پارک بریانت نیویورک، زنده ماندن در محفظه شیشه‌ای به مدت 44 روز بدون غذا و تنها با نوشیدن چهار و نیم لیتر آب در روز اشاره کرد و هفت روز محفوظ ماندن در تابوت پر از آب، از معروف‌ترین اجراهای بلین است که سبب شد لقب هودینی عصر جدید را به او بدهند. در پنج آوریل سال 1999 بلین تصمیم گرفت تا در یک محفظه پلاستیکی در بسته که با سه تن آب پر شده بود، به مدت هفت روز مسیر مشخصی را طی کند. به گفته شبکه سی‌ان‌ان، تنها راه ارتباط بلین با بیرون زنگ اخباری بود که در هنگام خطر به آن دسترسی داشت. در طول این اجرا، بلین هیچ چیز نخورد و تنها در روز دو تا سه قاشق غذاخوری آب می‌نوشید. حدود 75 هزار نفر برای تماشا به محل اجرا آمده بودند که در میان آنها، برادرزاده هودینی، مری بلود هم حضور داشت. او در این باره گفت: &#171;اگر چه عموی من همه را با کارهایش به حیرت وا داشت اما هرگز نتوانست چنین کاری انجام دهد.&#171; سرانجام پس از هفت روز، در دوازدهم آوریل صدها خبرنگار برای باز کردن در تابوت حضور یافتند تا خبرساز هودینی عصر جدید شوند. هنگامی که بلین از تابوت بیرون آمد، رو به جمعیت کرد و گفت: &#171;من شاهد لحظه‌هایی باورنکردنی بودم. من دیدم که مردم از هر نژاد و مذهب با هر گروه سنی، دور هم گرد آمده بودند تا برنامه مرا تماشا کنند و این باارزش‌ترین چیز برای من است.&#171;

#### روبرت هاربین

روبرت هاربین در سال 1909 متولد شد. او از معروف‌ترین شعبده‌بازان انگلیسی بود. که با نام ند ویلیام به دنیا آمد و پس از به شهرت رسیدن، نام روبرت هاربین را برای خود انتخاب کرد. از شعبده‌های معروفی که او ابداع کرد، شعبده &#171;دختر زیگ زاگی&#171; است. در این نمایش که تا حدودی شبیه نمایش اره کردن است، دستیار شعبده‌باز در حالی که ایستاده به سه قسمت تقسیم می‌شود.

روبرت هاربین همچنین یکی از کسانی بود که در هنر اوریگامی (هنر ساختن سازه‌های کاغذی) هم توانست نام خود را ثبت کند. او در این کار خبره بود. روبرت جوان زمانی که در مدرسه تحصیل می‌کرد با شعبده‌بازی آشنا شد. روزی در یکی از جشن‌های مدرسه شعبده‌بازی حضور داشت و روبرت برای اولین بار نمایش‌های شعبده‌بازی را آنجا دید و مسحور آن شد. 20 سالش که شد به لندن رفت و در یک سالن به عنوان شعبده‌باز آماتور مشغول به کار شد. بعد از اینکه کمی شناخته شد، برنامه‌ای در یک سالن تئاتر گرفت و با نام «171؛ ند ویلیام، پسر شعبده‌باز»؛ برنامه هایش را اجرا می‌کرد. او پله‌های موفقیت را یکی پس از دیگری طی کرد و توانست به سالن‌های نمایش دیگر هم راه پیدا کند. او اولین شعبده‌باز انگلیسی‌ای بود که پای نمایش‌های شعبده‌بازی را به تلویزیون باز کرد و اولین برنامه تلویزیونی‌اش را برای کانال بی‌بی‌سی ضبط کرد و بعدها در سال 1940 برنامه خودش را جلوی دوربین برد. هاربین بیشتر حقه‌های خود را به صورت کتاب به نگارش در آورد، اگرچه او روی صحنه همیشه می‌درخشید؛ ولی در امر نویسندگی استعداد چندانی نداشت. در کنار شعبده‌بازی، او به هنر اوریگامی هم علاقه‌مند بود و در سال 1953 بود که شیفته این هنر شد. او از این هنر به عنوان جادوی کاغذ یاد می‌کرد و با تمرین توانست مهارت کافی در این هنر کسب کند تا جایی که اولین رئیس انجمن اوریگامی انگلستان بشود. بعد از شعبده‌بازی برنامه‌های زیادی هم با موضوع اوریگامی در تلویزیون برای بچه‌ها ضبط کرد. هاربین روبرت در سال 1978 در 69 سالگی در وست مینیستر انگلستان درگذشت.

#### جانی تامپسون

جانی تامپسون از مطرح‌ترین شعبده‌بازان لاس وگاس است. او در کنار شعبده‌بازی به صورت حرفه‌ای سازدهنی می‌نواخت و اولین بار کار هنری خود را با موسیقی آغاز کرد. سپس به یک گروه کم‌دین پیوست و با ادغام کردن شعبده و کم‌دی سبک جدیدی برای خود ابداع کرد و پله‌های موفقیت را یکی پس از دیگری طی کرد. بعد از ازدواج، همسرش - پاملا هایز- هم به او ملحق شد جانی و پاملا سال‌هاست که نمایش‌های جادویی و کمیکی را به روی صحنه می‌برند که در آنها جانی نقش یک جنتلمن شیک پوش ولی احمق را بازی می‌کند. یکی از اجراهای منحصر به فرد او طی برنامه، ظاهر کردن چندین کبوتر سفید و زیبا روی صحنه است. این کبوترهای دست‌آموز هم پس از ظاهر شدن قسمتی از نمایش را در دست می‌گیرند. برنامه‌های این زوج هنری با نام «171؛ تامپسونی بزرگ»؛ به شهرت رسید. جانی و همسرش با اجراهایشان، رنگ و لعاب جدیدی به سالن‌های نمایش لاس وگاس دادند؛ ولی آوازه شهرت آنها محدود به لاس وگاس نیست. آنها در اکثر کشورهای بزرگ تا به امروز برنامه داشته‌اند. جانی تامپسون علاوه بر اینکه یک شعبده‌باز زبردست است، یکی از بهترین آموزگاران در زمینه شعبده‌بازی هم هست که از آموختن دانشش به دیگران دریغ نمی‌کند. او در پشت صحنه برنامه‌های شعبده‌بازانی چون پن و تله، لانس بورتون و برنامه مایند فریک کریس آنجل دست داشته است. او و همسرش پاملا، جوایز زیادی نیز برای اجراهایشان کسب کرده‌اند، جوایزی چون «171؛ جایزه سوپرستار دنیای شعبده»؛ و «171؛ جایزه شعبده‌باز سال»؛ و جوایز متعدد دیگری که تنها شعبده‌بازان بزرگ می‌توانند از آن خود کنند.

#### جان هنری آندرسون

جان هنری آندرسون یکی از زبردست‌ترین شعبده‌بازان زمان خود بود. او یکی از اولین کسانی بود که هنر شعبده‌بازی را از خیابان‌ها به سالن‌های نمایش کشاند تا با اجراهای ماهرانه و منحصر به فرد خود، تماشاچیان را سرگرم و دلشاد کند.

او در سال 1814 در اسکاتلند به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و زمانی که جان هنری تنها 10 سال داشت، از دنیا رفت. آندرسون که تنها شده بود، مجبور شد برای گذران زندگی‌اش در یک آهنگری شاگردی کند؛ ولی بلندپروازتر از این حرف‌ها بود و در رویاهایش خود را یک هنرپیشه می‌دید. برای همین آهنگری را رها کرد و به گروهی از هنرمندان دوره‌گرد پیوست. در همین زمان بود که او اولین نمایش شعبده‌بازی را دید و تحت تاثیر آن قرار گرفت. در 17 سالگی او فعالیت خود را به عنوان شعبده‌باز آغاز کرد و نمایشی هم در قصر لرد پن مور به اجرا گذاشت. لرد که از مهارت و زیرکی او خوشش آمده بود، او را تشویق کرد و مورد تایید قرار داد.

تایید لرد پن مور به منزله تبلیغ بزرگی برای آندرسون بود و بعد از مدتی به او پیشنهاد برگزاری تورهایی نمایشی داده شد. آندرسون هم پذیرفت و این تورها سه سال طول کشید و او را به شهرت رساند و توانست لقب بزرگ‌ترین و ماهرترین جادوگر قرن را از آن او کند؛ به طوری که مردم وقتی می‌شنیدند آندرسون در شهر است، از دورترین نقاط می‌آمدند تا نمایش‌های او را تماشا کنند.

او اجراهای خلاق و زیبایی داشت؛ نمایش‌هایی که تا به آن روز کسی اجرا نکرده بود. گفته می‌شود او اولین کسی بود که خرگوشی زنده را از داخل کلاهش در آورد و مردم را شگفت زده کرد. گرفتن گلوله‌ای که از تفنگ شلیک می‌شود، بدون اینکه خودش آسیبی ببیند هم از دیگر نمایش‌های مشهور اوست. اگر چه او مخترع این نمایش نیست؛ ولی او این نمایش را به شهرت رساند و مهارت و هنرش در اجرای آن باعث شد تا به نام او ثبت شود. حتی امروز هم می‌بینیم شعبده‌بازان مشهوری چون کریس آنجل این نمایش را به سبک خودشان اجرا می‌کنند. از دیگر نمایش‌های او بطری تمام نشدنی است؛ بطری‌ای که به هنر آندرسون هر نوشیدنی‌ای را به درخواست تماشاچیان در لیوان‌هایشان می‌ریخت. در سال 1846 او به اطراف اروپا سفر کرد و تقریباً در تمام شهرهای اروپا هنرش را به نمایش گذاشت و سرانجام در سال 1849 به لندن برگشت تا برای ملکه ویکتوریا و پرنس آلبرت برنامه اجرا کند.

برای مدتی از شعبده‌بازی دست کشید و میدان را به رقبایش سپرد، در این مدت هنرپیشگی می‌کرد؛ ولی عشق و علاقه‌اش به شعبده‌بازی او را دوباره به این عرصه کشاند و در سال‌های 1859 و 1866 دوباره تورهای نمایشی خود را آغاز کرد. او چهار فرزند دارد که همه آنها در همین حرفه مشغولند و مدتی نیز با پدر خود کار می‌کردند. آندرسون تمام 60 سال عمر خود را به پای این هنر گذاشت و سرانجام در سال 1874 در گذشت.

&#171#؛ وظیفه شعبده‌باز سرگرم کردن و شاد کردن بینندگان است، نه اینکه کاری بکند که دیگران نمی‌توانند انجام دهند؛ این همان شعاری است که او مبنای اجراهایش قرار می‌داد و به راستی هم توانست با همین شعار، نام خود را به عنوان یکی از بهترین و مشهورترین شعبده‌بازان در دنیای سحر و جادو ماندگار کند.

### کریس آنجل

کریس آنجل اساساً یک هنرمند پولساز است که با استفاده از شعبده‌های باور نکردنی‌اش به شهرت رسیده است. کریستوفر نیکولاس ساراتاکوس که همه او را با نام هنری کریس آنجل می‌شناسند، در 19 دسامبر 1967 در خانواده‌ای یونانی-آمریکایی به دنیا آمد. کریس با عشق به موسیقی و علاقه به سحر و جادو بزرگ شد و از همان کودکی به شدت تحت تأثیر دو شعبده‌باز بزرگ هری هودینی و ریچاردی جی آر قرار گرفت. او برای اولین بار شعبده‌بازی را در شش سالگی از عمه‌اش استلا با فوت و فن کارت بازی آموخت و از آن زمان بود که مجذوب دنیای سحر و جادو شد و پس از به اتمام رساندن دبیرستان تصمیم گرفت راه خود را در زمینه شعبده‌بازی و تردستی ادامه دهد و یک شعبده‌باز حرفه‌ای شود. کریس ساعت‌ها در کتابخانه وقت خود را به خواندن کتاب‌ها و حقه‌های شعبده‌بازان و ساحران می‌گذراند و حقه‌های شعبده‌بازی را با علاقه‌ای بسیار و وسواس عجیبی دنبال می‌کرد و در این زمینه مهارت‌های بسیاری کسب کرد. کریس اولین برنامه‌هایش را در حضور خانواده به اجرا گذاشت و سپس چنان در این حرفه رشد کرد که به جشن‌های خصوصی و رستوران‌ها راه یافت و به اجرای برنامه پرداخت. در 14 سالگی به طور مرتب هر هفته در کافه‌ها و رستوران‌های اطراف محل زندگی خود اجرا داشت و در 19 سالگی درآمدی برابر با 3 هزار دلار در هفته از اجرای برنامه در جشن‌ها و مراکز مختلف به دست می‌آورد. سپس در سال 2001 با فصل اول برنامه مایندفیک ظاهر شد و شهرتی جهانی یافت. پس از آن به لاس وگاس نقل مکان کرد و ایده پروژه جدیدی در ذهنش جرقه زد: تولید یک مجموعه تلویزیونی.

او برنامه تلویزیونی خود را با نام &#171#؛ کریس آنجل مایند فیک &#171#؛ که در خیابان‌های لاس وگاس تصویر برداری می‌شد، برای اولین بار از طریق شبکه تلویزیونی A&E در جولای 2005 پخش کرد. این برنامه به شدت مورد استقبال قرار گرفت و موفقیت دیگری برای کریس رقم زد. از حقه‌های معروف این برنامه می‌توان به راه رفتن بر روی آب، دو نیم کردن زنی در یک پارک عمومی و پرواز بر روی آتش و خوابیدن بر بستری از میخ اشاره کرد.

معروفیت کریس و خارق‌العاده بودن تردستی‌هایش نظر کارگردان سیرک، دو سولی را به خودش جلب کرد و سرانجام پس از یک سال گفت‌وگو و مذاکرات، کریس آنجل در سال 2006 به اعضای سیرک دو سولی پیوست تا نمایش خارق‌العاده‌ای به نام &#171#؛ باور؛ &#171#؛ را در هتل لاکسور لاس وگاس به اجرا بگذارند.

&#171#؛ باور کریس آنجل &#171#؛ در سال 2008، همزمان با هشتاد و دومین سالگرد مرگ هودینی به نمایش گذاشته شد. کریس به غیر از شعبده‌بازی دستی هم در موسیقی دارد.

او مدتی خواننده گروه آنجل داست بود. کریس کتابی هم به کمک لورا مورتن، به نگارش در آورده و در آن راز بعضی حقه‌های نمایشی خود را افشا کرده است. این کتاب با نام &#171#؛ افشای راز؛ &#171#؛ در 24 آوریل 2007 به چاپ رسید و تا مدت‌ها یکی از پرفروش‌ترین‌ها به روایت روزنامه معتبر لس آنجلس تایمز بود.

کریس آنجل محبوبیت زیادی بین مردم در سراسر دنیا دارد؛ از آمریکا و اروپا گرفته تا آسیا و استرالیا و آفریقا. او این محبوبیت را به خاطر کارهای خارق‌العاده و دور از باوری که انجام می‌دهد به دست آورده و تا به حال توانسته رکوردهای بسیاری را هم به نام خود ثبت کند؛ مثل رکورد طولانی‌ترین زمان ماندن در آب به مدت 24 ساعت بدون نوشیدن و آشامیدن، تنها با یک منبع اکسیژن، رکورد طولانی‌ترین معلق ماندن در هوا به مدت پنج ساعت و 42 دقیقه، رکورد سریع‌ترین فرار از بشکه حاوی نوشیدنی